انترناسیونال 758

**متن سخنرانی مینا احدی در کنفرانس دختران انقلاب**

از روزی که برق تند یک چاقو در دست یک مرد ریش دار در آفتاب داغ تبریز، روی سر من و یک دختر جوان معترض به حجاب به چشمم خورد تا امروز ٣٩ سال گذشته است. ٣٩ سال پر از فراز و نشیب و ٣٩ سالی که ما زنان جوان آن دوران که حکومت پهلوی را به چالش گرفته و سرنگونش کرده بودیم، اسلحه را از یک شانه به شانه دیگر انداخته و علیه خمینی و اسلامیها مبارزه را آغاز کرده بودیم. یک روز قبل از این واقعه، میتینگ دو هزار نفره در مقابل دبیرستان دخترانه پروین در تبریز داشتیم، که به فراخوان هفت دختر دانشجو سازمان یافته بود.

من یکی از آن سازمان دهندگان بودم که اتفاقا دیر رسیدم و دیدم که صدها نفر از استادان و معلمین و کارمندان دولتی و همه و همه آمده اند تا ببینند که ما فراخوان دهندگان چه میگوییم. اولین سخنرانی ام در ملا عام آنجا بود و هنوز صدای خودم در گوشم هست که گفتم این حکومت ارتجاعی است! حجاب اجباری را قبول نمی کنیم. در کشوری که ما انقلاب کرده بودیم یک اتفاق سیاسی و بین المللی مهم افتاد. جنبشی حاشیه ای و منفور به نام جنبش اسلامی به کمک دوول غربی به قدرت رسید، و چنین شد که دوران تاریکتری در زندگی میلیونها زن و میلیونها نفر مردم در بخشی از کره زمین شروع شد.

جنبش اسلامی در جا که پا گذاشت فرق نمیکرد در الجزایر یا ایران، در افغانستان و یا سودان، نخست به زنان حمله کرد، با همین تحلیل که اینها بخش ضعیف جامعه هستند و کسی از آنها دفاع نمیکند و ابزار مهم سرکوبش حجاب بود.پارچه سیاهی که با آن انسانیت زنان را زیر سوال برده و بردگی کامل را برنیمه جامعه تحمیل کردند. . داعش در ایران تمرین راه رفتن کرد و خون ریخت و مرحله به مرحله انقلاب ما نسل جوان در سال ٥٧را به شکست کشاند. هزاران نفر اعدام شدند.

با حجاب آمدند و سپس قوانین اسلامی و شریعت را قانون آن جامعه اعلام کردند. تا جایی که به موقعیت زنان مربوط است بعد از حجاب مهمترین حربه آنها در ساکت کردن زنان سنگسار بود.

وقتی برای اولین بار در ایران شنیدم یک زن را سنگسار میکنند، از مادر بزرگم پرسیدم چطور یک زن را سنگسار میکنند، و او گفت از صد سال پیش به اینطرف سنگساری نبوده ، من تا حالا ندیده و نشنیده ام.

با حجاب و سنگسار آمدند و سپس اعلام کردند که خون زن نصف خون مرد ارزش دارد و جایگاه زنان در خانواده اینست که نانی به آنها بدهید و نفقه بگیرشان کنید و از آنها بخواهید تمکین کنند. یعنی بردگی زنان قانونی شد. مردسالاری و جدا سازی و آپارتاید جنسیتی قانون آن مملکت و رسمی شد. جایگاه زنان بر اساس اسلام تعریف و به ضرب زندان و شلاق اجرا شد.

حکومت اسلامی سالیانه میلیونها تومان خرج کرد و انواع و اقسام نهادها را سازمان داد، تا حجاب را بر سر زنان پونز کند، بر روح و جسم زنان حکومت کند و بهشت اسلامی برای زنان را در این دنیا به آنها نشان دهد، اما طوفان درو کرد.

در آن جامعه از وقتی در هشت مارس ٥٧ هزاران زن فریاد زدند حقوق زنان نه شرقی است نه غربی جهانی است و وقتی گفتند نه به حجاب اجباری، نطفه های جنبش نوین زنان در مقابل نظام سرمایه داری، جنبش اسلامی و مذهب اسلام بسته شد .

هواپیمای ما از وین با حضور دهها زن فمینیست همزمان با ایران ایر در تابستان گرم سال ١٩٩٥ در فرودگاه پکن بر زمین نشست و دهها زن محجبه و چند مرد ریش دار حزب اللهی از هواپیما پیاده شدند. در بخش کنترل پاسپورتها دیدم که دو مرد پاسپورت همه زنها را نشان مامورین میدهند و ماشین سفارت رژیم این زنان را جابجا میکرد.

در کنفرانسی که ٣٥ هزار زن از سراسر جهان آمده بودند، شهلا شرکت و اعظم طالقانی و تعدادی از فمینیست های اسلامی را با چادر و روسری دیدم که در آنجا ا ندر فواید اصلاحات در اسلام و یا تفسیر بهتر اسلام حرف میزدند، و از گامهای کوچک خود برای بهبود اوضاع سخن میگفتند.

در آنجا رفته بودیم در کنفرانس دولتها و کنفرانس سازمانهای زنان قطعنامه ای علیه سنگسار تصویب کنیم و از زنانی حرف بزنیم که بزور پونز و شلاق حجاب بر سرشان کرده و همه حقوق انسانی آنها را مشتی اسلامی و آخوند به گروگان گرفته اند.

در آنجا دیدم که دولتهای غربی و همچنین فمینیست های موجود، همراه و هم نظر با شهلا شرکت ها و اعظم طالقانی ها و زنان ملی اسلامی دولتی و نیمه دولتی میگویند ایران کشور اسلامی است مردم مسلمان هستند و حکومت اشان اسلامی است، میتوان با این حکومت ساخت فقط باید بهترش کنیم اصلاحش کنیم، جلو بنیادگرایی او را بگیریم و کمی بزکش کنیم.

پس من وارد دنیایی شده بودم که میتوانست خمینی و همه جنایات یک حکومت را با سنگسار و چشم در آوردن و دست و پا قطع کردن را بپذیرد و اینرا با همین تز ایران کشوری اسلامی است و این فرهنگ آن مردم است بخورد بشر متمدن قرن بیست و یک بدهد. در آن کنفرانس که برای دفاع از حقوق زنان بود نتوانستیم قطعنامه ای بر علیه تکه تکه کردن زنان بدلیل سکس خارج از ازدواج تصویب کنیم، و من به عینه دیدم که با یک حکومت، یک سیستم، یک مذهب و مدافعین آن در دنیا ، حکومتهای غربی بخشی از فمینیست ها و مالتی کالچرالیستها و با بخشی از چپها و طرفداران محیط زیست و غیره طرف هستیم که باید با آنها نیز دست و پنجه نرم کنیم.

جنبش ملی اسلامی در ایران در کنار دولتهای غربی و فمیسنیسم اسلام پناه و احزاب چپ سنتی ضد امپریالیست، سدی در مقابل جنبش برابری طلبانه زنان در ایران ایجاد کرد و موانع متعددی را در مقابل زنان قرار دادند. اتفاقا بخش خارج حکومت این جنبش ادعای رهبری جنبش زنان را داشت و چهر ه های این جنبش چپ و راست جایزه گرفته و در تند پیچ ها از بخشی از حکومت و ایده اصلاحات در حکومت دفاع میکردند.

گردبادی که ما با آمدن خمینی و جنبش اسلامی به قدرت ٣٩ سال پیش وارد آن شدیم، این سوالات را در مقابل ما قرار داد، این چه حکومتی است، آیا میتوان ضد زن بودن این حکومت را به ضد امپریالیست بودنش بخشید. حجاب چیست، آیا حجاب معضل زنان در ایران است یا کمک میکند زنان سنتی وارد جامعه شوند، آیا حجاب مهمترین معضل زنان در ایران است، جایگاه زنان در اسلام چیست، آیا اسلام و حقوق زنان با هم متناسب هستند یا مغایر. و سوالاتی از این نوع!

برای زنی که با تحمیل حجاب به او همه حقوق انسانی او را از او گرفتند و به نفقه بگیر تبدیلش کردند و برای امریم ایوبی که بدلیل سکس خارج از ازدواج او را به سنگسار محکوم کردند آیا فرقی میکرد به او بگویید میتوان حکومت و اسلام را اصلاح کرد!

برای ایجاد تغییر و مبارزه در دفاع از حقوق زنان در ایران اما باید با همه این معضلات در می افتادیم، با معضلات درون ایران و با مشکلات بین المللی! در سطوح تئوریک و همچنین عملی!

وقتی اولین سنگسار را در ایران مشاهده کردم به خودم گفتم اگر دنیای مدرن و متمدن از این وحشیگری اسلامیها خبردار شود ساعتها و کارخانه ها از حرکت می ایستند، وسال ١٩٩٠ وارد این دنیا شدم ودیدم ساعتها تیک تیک میکنند و تعدادی با عنوان اسلام شناس و متفکر و ایران شناس بمن میگویند اسلام آنطور که شما میگویید بد نیست و ایران کشوری اسلامی است و فرهنگ شما با فرهنگ مردم غرب متفاوت است... و میتوان تفسیر بهتر از اسلام کرد و میتوان آخوند را اهلی کرد...

در غرب اما دنیای مردم در کوچه و خیابان با دنیای سیاستمداران و پارلمانها و احزاب در قدرت متفاوت بود. نگاه سرد سیاستمداران با نگاه گرم و غمگین مردم عادی متضاد بود و ما برای مقابله با سنگسار و قوانین ضد انسانی اسلامی به مردم متوسل شدیم.

جنبش نوین زنان در ایران با دنیای متمدن غرب در کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی عجین شد. جنبش اسلامی با سنگسار، زنان را میترساند و کمپین نجات سکینه باعث شد میلیاردها نفر بهم وصل شده و به سنگسار نه بگویند، نه فقط در ایران بلکه در همه جا، حکومت اسلامی و جنبش اسلامی به نوعی مجبور به عقب نشینی شد و سنگسار دوفاکتو حداقل در ایران ممنوع شد.

در ایران زنان در همه عرصه ها وارد جنگ با حکومت شده و او را به چالش گرفته بودند، ورزش و ورود به ورزشگاهها، دفاع از حق طلاق و حضانت کودکان، کار بیرون از خانه، جدا سازی جنسیتی و بحث اخلاقیات اسلامی، و ناموس قلمداد کردن جسم و روابط جنسی زنان و در همه این عرصه ها قدم به قدم حکومت را به عقب نشینی وادار کردند. چند سال گذشت و در اعماق آن جامعه همه چیز عوض قدم به قدم عوض شد.

یک جنبه از بی جربزگی و مماشات دنیای غرب با حکومت اسلامی در زمینه ورود زنان به ورزشگاهها بود. فیفا و مقامات نهادهای بین المللی ، در عمل نه کاری کردند و نه تهدیدی را مبنی بر اعمال تحریم بر حکومت اسلامی اجرا کردند و همه با سکوت نظاره گر این رفتار زشت حکومت اسلامی با زنان در ایران بودند. من بارها با مقامات فیفا مذاکره و ملاقات کردم، اما مادام فشاری بر روی اینها نباشد، بویژه در خیابان و از طرف مردم، اینها کاری نمیکنند. تنها اقدام مثبت دنیا در این مورد تحریم مسابقات از سوی زنان ورزشکار غربی بود که باز هم نگاه و برخورد کف خیابان را بر علیه نهادهای رسمی نمایندگی میکرد.

زنان در ایران مبارزه کردند و در دنیا با متفکرین جهانی و مدافعین اسلام پناه دست و پنجه نرم کردند، بنظر من یکی از مهمترین ضربات به مالتی کالچرالیستها و طرفداران تز ایران کشوری اسلامی است، در سال ٢٠٠٩ زده شد، وقتی فیلم کوتاه جان باختن ندا در مدیای اجتماعی منتشر شد. دختر جوان و مدرنی که برای خلاصی از حکومت اسلامی آمده بود و در مقابل چشم جهانیان جان باخت. دنیا دید که در ایران و در همه کشورهای اسلام زده جوانان به یمن امکان ارتباطات اجتماعی ، خیلی شبیه به هم هستند، دختر جوان ایرانی شبیه دختران جوان فرانسوی و انگلیسی است و اینترنت و اینستاگرام و فیس بوک سد حکومتهای دیکتاتور را درهم شکسته و جوانان را به هم وصل کرده و فرهنگ نوین و انسانی را در بین همه آنها تقویت کرده است.

ریچارد داوکینز یکی از چهر ه های سرشناس منتقد مذهب و مدافع مبارزات زنان در کشورهای اسلام زده از معدود متفکرینی است که به جنبش برابری طلبانه زنان در کشورهای اسلام زده نزدیک است، یکبار در لندن در مراسم اعطا جایزه سکولاریست سال در سال ٢٠٠٨ گفت، همواره فکر کرده ام که جنبش اسلامی یک جنبش ضد زن است و روزی در این کشورهای اسلام زده زنان بپا خاسته و تکلیف این جنبش را روشن خواهند کرد. چهره انقلاب در کشورهای اسلام زده زنانه است! صدای زنان معترض و پیشرو ایرانی بگوش جهانیان رسید و نه فقط این بلکه داوکینزها و میشاییل اشمیت سالمون ها و بسیاری منتقدین مذهب و اسلام با رهبران و فعالین سرشناس این جنبش در دنیا همراه و همکار شدند.

**تاریا کارینا هالونن**

اولین زن سیاستمداراروپایی بود که وقتی به ایران رفت، محجبه شد او کلاه بر سر گذاشت و با مقامات حکومت اسلامی دیدار کرد. او وزیر امور خارجه فنلاند بود ، و در دیداری که با او داشتم و به این رفتارش اعتراض کردم، ، گفت ما باید با این حکومت گفتگو کنیم تا روی آنها تاثیر بگذاریم برای ادامه روابط باید موهایم را می پوشاندم، این رفتار شنیع سیاستمداران اروپایی با اعتراض ایرانیان و مزاح برخی رسانه های بین المللی روبرو شد، پس از او این افتضاح سیاسی بارها تکرار شد موگرینی و کلودیا رووت و چندین و چند زن سیاستمدارسوئدی و اروپایی دیگر محجبه به ایران رفتند و تحقیر را پذیرفتند و با قاتلین دست دوستی داده و عملا در مقابل مبارزات زنان ایران ایستادند. همین رفتار سیاستمداران زن با موجی از اعتراض فعالین مدافع حقوق انسانی روبرو شد و بی آبرویی فراوانی برای آنها در پی داشت.

٣٩ سال در چنین اوضاعی سپری شد، یک مبارزه وسیع اجتماعی در اعماق جامعه ، یک پس زدن کامل قوانین و اخلاقیات اسلامی از سوی میلیونها زن و یک مبارزه دائمی زنان علیه حجاب، به نوعی که کم کم رنگ حجاب عوض شد و سپس اندازه آن و در نهایت در جریان مبارزات دی ماه در ایران ، یک زن جوان به نام ویدا موحد در حالیکه حجابش را بر یک چوب بسته بود بر بلندای جامعه عروج کرد. بنظر من با این حرکت سمبلیک ، دختران خیابان انقلاب بالاتر از سطح خیابان ایستادند و توجه دنیا را بخود جلب کردند. مردم ایران و دنیا ، با وجد و هلهله عروج جنبشی رادیدند که از کف خیابان آمده بود و میخواست خود را به همه دنیا نشان دهد، جنبش نوین زنان، جنبش خلاصی فرهنگی و جنبش اعلام جرم علیه حکومت و قوانین اسلامی!

با این حرکت به مردم دنیا گفته شد که حجاب یک تکه پارچه نیست، حجاب مدل لباس نیست، حجاب سمبل بی حقوقی زنان است. آنچه دختران خیابان انقلاب به چوب بسته اند، یک تکه پارچه نیست، چکیده بی حقوقی زنان و به بردگی کشاندن آنها است، در آن تکه پارچه میتوان قوانین اسلامی را دید، میتوان سنگسار و اعدام را دید قتل ناموسی و نداشتن حق طلاق و حق مسافرت و در آن پارچه میتوانید عکس مریم ایوبی ها و کبری رحمانپورها و سکینه محمدی آشتیانی ها و ریحانه جباری ها را ببینید. در آن پارچه عکس هما دارابی استاد دانشگاه را که در سال ١٣٧٢ در اعتراض به حجاب اجباری خود را آتش زد، میتوانید ملاحظه کنید.. .

محصول ٣٩ سال جنبش و مبارزه عملی و نظری و پس زدن مالتی کالچرالیستها و اسلامیون در ایران و در دنیا ببار نشست.

دی ماه در ایران شورش بزرگی را شاهد بودیم که مرد و زن در آن جامعه با صدای بلند گفتند نه به دیکتاتوری اسلامی نه به فقر و دزدی و چپاول و در این تظاهرات ها همه دیدند که زنان در نقش سازمانده و سخنور ماهر در مقابل نیروهای سرکوبگر ایستاده و حق خود را میخواهند.

هشت مارس ٥٧ به هشت مارس ٩٦ وصل شد و صدای زنان شجاعی که در زندانهای حکومت اسلامی جان باختند و یا در همه سطوح مبارزه را ادامه دادند، به صدای میلیونها زن در سراسر ایران و صدای دختران خیابان انقلاب وصل شد.

مانیفست جنبش برابری طلبانه زنان در سال ٥٧ این بود !

حکومت اسلامی دون شان بشر است و باید برود

نمیتوان این حکومت را بزک و اصلاح کرد بشر در طی قرنها مبارزه کرده و گفته مذهب از دولت و آموزش و پرورش جدا

حجاب اجباری تعرض به حقوق زنان است و باید ممنوع شود. حجاب اسلامی یعنی کالا کردن بدن زنان و سند مالکیت مردان بر جسم و روح زنان.

زن ناموس هیچکس نیست. روابط خصوصی زنان امری مربوط بخود آنها است.

انقلاب جنسیتی در ایران اتفاق افتاده و زنان عملا گفتند کسی اجازه ندارد در زندگی آنها دخالت کند و قانون تعیین کند.

زن و مرد برابر هستند و جامعه و قوانین باید اینرا رسما اعلام و اجراکنند.

حرکت زنان پیشرو در ایران با موجی از همبستگی بین المللی مواجه شد. اکنون در ترکیه زنان در دفاع از دختران خیابان انقلاب به خیابان رفته و یا تئاتر اجرا میکنند زنان در کوبا و امریکا و آلمان از حرکت دختران خیابان انقلاب دفاع میکنند و موجی از همبستگی در بین زنان در عربستان سعودی و عراق و افغانستان و سودان مشاهده میکنیم.

اگر جنبش انسان ستیز اسلامی در ایران عروچ کرد و زندگی میلیونها نفر را مورد تاثیر مخرب خود قرار داد، گلوی این جنبش نیز در ایران فشرده میشود و با سرنگونی حکومت اسلامی بشریت وارد دوران دیگری خواهد شد. دوران پایان جنبش کثیف اسلامی و شکوفایی مدرنتیه و مدنیت و احترام به حقوق و حرمت انسانی زنان . زنده باد جنبش دختران خیابان انقلاب. سرنگون باد حکومت زن ستیز اسلامی !